Archive of SID

فصلنامه علمی-پژوهشی
نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی
سال دوازدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۹

ابزارهای نظارت سیاسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر عدالت جغرافیایی در کشور

خیرالله پروین[۱]

استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

فیروز اصلانی

دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حمید الهوئی نظری

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

علی محمد یوسفی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، پردیس بین المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶

چکیده

نظارت سیاسی به دلیل اهمیتی که در حفظ نظم عمومی و نیز عدالت میان منطقه‌ای و جغرافیایی دارد دارای اهمیت بسزایی است. این نوع نظارت از طریق مردم و همچنین مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد. سوال اصلی مقاله حاضر این است که ابزارهای نظارت سیاسی در نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران کدام اند و این ابزارها چه تاثیری بر عدالت جغرافیایی بر جای گذاشته‌اند؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. یافته‌های این مقاله نشان می دهد که ابزارهایی که مردم برای اعمال این نظارت در اختیار دارند شامل نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)، مطبوعات و رسانه‌های جمعی، احزاب و تشکل‌های سیاسی و تجمع و راهپیمایی می‌باشد و ابزارهای مجلس شورای اسلامی شامل تذکر، سؤال، استیضاح، اصل ۹۰ قانون اساسی و تحقیق و تفحص می‌باشد. همچنین یافته‌های این مقاله نشان می دهد که یکی از مهم ترین ابزارها برای بهبود وضعیت عدالت جغرافیایی در ایران ابزارهای نظارت سیاسی است زیرا عدالت جغرافیایی در ایران گرفتار عدم تعادل و عدم تواز است. در این مقاله به تشریح این نوع نظارت و ابزارهای اعمال آن و تأثیر آن بر عدالت جغرافیایی در کشور پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: احزاب سیاسی، مطبوعات و رسانه‌های جمعی، نظارت، نظارت سیاسی، نظارت همگانی.

۱- (نویسنده مسئول) khparvin@ut.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

نظارت در جوامع سابقه‌ای طولانی دارد از زمانی که زندگی اجتماعی آغاز شد کنترل و نظارت مطرح گردید. در ابتدا نظارت و کنترل‌ها نسبت به امور جزئی صورت می‌گرفت، نظارت ریشه در تاریخ بشر دارد و همواره با تشکیل اولین گروه‌های انسانی در قالب خانواده، عشیره و طایفه پا به عرصه گذاشت و هدف از اعمال آن‌ها جوابگویی و جلوگیری از فساد، تقلب و سوء استفاده بوده همچنین قلمرو نظارت در حقوق عمومی بسیار برجسته و گسترده است. مسئله مشروعیت نظام سیاسی، اعمال حکومت و رفتار نهادهای حکومتی، در حوزه نظارت حقوق عمومی قرار دارند و بحث نظارت با انواع مختلف و شیوه‌های گوناگون آن در حکومت‌های مختلف مطرح بوده است. در زمان هخامنشی و در زمان پادشاهی کوروش و داریوش تفتیش و نظارت جزء مشاغل اداری محسوب می‌گشته است (Pirnia, 2010: 462). مسلمانان با الهام گرفتن از آیات کریمه قرآن و سنت پیامبر گرامی (ص) و اهل بیت (ع) در زمینه نظارت و کنترل پیش کسوت و برای این امر تشکیلات اداری بزرگی مانند دیوان الخراج، دیوان العظیمه برقرار کرده بودند و موضوع نظارت و بازرسی در حکومت و مدیریت حضرت علی (ع) که الگوی کاملی از دولت اسلامی به حساب می‌آیند نیز جمله مقولاتی است که به دفعات و تناوب مورد توجه ایشان بوده است (Amid Zanjani, Musa Zadeh, 2010: 20).

اهتمام به این موضوع به کشور یا نظام حقوقی خاصی اختصاص ندارد. چنان که در ایران بحث نظارت ویژه جمهوری اسلامی و قوانین پس از انقلاب نیست، بلکه در قوانین پیشین کشور از جمله قانون مدنی و تجارت و قانون اساسی مشروطه سابقه دارد و در ایران برای نخستین بار، قانون اساسی مشروطه نهاد نظارتی معروف به طراز اول را مطرح ساخت. نهاد نام برده به دلیل ابهامات و فقدان آیین‌نامه اجرایی، در مرحله نظر متوقف ماند و هرگز عملی نشد. بی‌شک موضوع نظارت از جمله مباحث مهم و تأثیرگذار در حقوق عمومی به صورت عام و در حقوق اساسی به طور خاص می‌باشد، حقوق اساسی که تعیین کننده چارچوب‌های حکمرانی است در این خصوص تدابیری از جمله اصل تفکیک قوا، حاکمیت قانون و نظارت و تعادل که در اکثر قوانین اساسی کشورها پیش بینی شده به دنبال تعدیل و توزیع مناسب قدرت و پیش بینی ضمانت اجراهای مناسب برای جلوگیری از تجاوز حاکمان به حقوق مردم می‌باشد. با عنایت به آیات قرآن کریم و سیره و کلام پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) که توجه ویژه‌ای به امر نظارت شده است و اینکه در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که این قانون را بر اساس اصول و ضوابط اسلامی بنا نهاده شده است و اینکه ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است اهمیت این امر پر واضح می‌باشد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی نیز به این مسئله توجه شده است و نظارت‌های گوناگونی مانند نظارت سیاسی، نظارت قضایی و نظارت مالی تعبیه شده است. در این مقاله ابتداً به بحث مفهوم و فلسفه نظارت به صورت عام و نظارت سیاسی به طور خاص پرداخته می‌شود و در ادامه به این پرسش که ابزارهای نظارت سیاسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ پاسخ داده می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

رویکرد نظری

عدالت مفهوم پیچیده‌ای دارد و در ارتباط با آن تعریف واحدی در میان اندیشمندان وجود ندارد، ولی مفهوم آن در لغت به معنای دادگری کردن و استقامت است و به معنی مستقیم در مسیر حق ماندن و به‌سوی ستم تمایل نداشتن و به مساوات نیز تعبیر می‌شود. البته معانی عدالت به موارد کاربرد آن بستگی دارد (Rahimi et al., 1998). عدالت فضیلتی اجتماعی و اصلی بنیادین در زندگی انسان‌ها است که هر کسی سعی در برآورده کردن آن در زندگی خویش دارد. این واژه در ساده‌ترین معنای خویش به دو مفهوم به کار برده شده است. الف ـ حق هر انسانی را به او دادن؛ ب ـ تلاقی خطا، خواه از طریق جبران زیان کسی که قربانی خطای دیگری شده است و خواه از راه مجازات خطا کننده (Pirbabai et al., 1998). عدالت مفهومی است که هیچ کس نسبت به اصالت و حقانیت آن تردیدی ندارد و دستیابی به آن، به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول نظام‌های اجتماعی، طی دوره‌های مختلف حیات فکری و اجتماعی بشر مطرح بوده است. به طوری که کمتر جریان فکری و جنبش اجتماعی را می‌توان سراغ گرفت که این واژه را در شعارهای خود مطرح نکرده باشد (Jangjoo et al., 1998). در طول تاریخ، فلاسفه همواره سعی کرده‌اند تا بهترین تعریف ممکنه را در زمینه عدالت و اجرای آن ارائه دهند. به همین دلیل الگوهای فکری گوناگونی تلاش کرده‌اند با تمرکز بر مقوله عدالت در ابعاد مختلف آن، جامع‌ترین الگو را برای تبیین این مسئله ارائه دهند (Ghorbani et al., 1989). به هر حال از آن رو که بحث عدالت در سرشت خود بحثی تجریدی، تحلیلی و نظری است، همیشه با تنوع دیدگاه‌ها و اختلاف‌نظرها همراه بوده است. این تنوع خصوصاً از آن بعد بیشتر دیده می‌شود که عدالت در تمامی جنبه‌های فردی، خانوادگی، ابعاد کلان اجتماعی و نهادها و سازمان‌های دیگر، در حقوق و قضا، در فلسفه و سیاست و... حضور و بروز جدی دارد. و این امر بر پراکندگی هر چه بیشتر آرا در بحث عدالت و تعاریف و محدوده‌ها برای آن می‌افزاید. در زیر برخی از این پراکندگی از دیدگاه پرلمان آورده شده است. او چند معنای آشتی‌ناپذیر واژه‌ی عدالت را مطرح نموده است. اینکه به هر کسی چیزی یکسان تعلق گیرد، و یا متناسب با شایستگی‌اش و یا متناسب با نیازهایش و یا متناسب با طبقه اجتماعی‌اش چیزی تعلق بگیرد و یا اینکه طبق آنچه قانون برای فرد در نظر گرفته است، چیزی به او تعلق یابد، همگی معانی هستند که نظریه‌ها را از هم جدا می‌سازند (Oqbaei and Matof, 2019). او معتقد است که در حول هر کدام از معانی‌ای که در بالا برای عدالت آورده، نظریه-ها و ایدئولوژی‌های متفاوتی شکل گرفته است که گاهی در مقابل با هم قرار می‌گیرند. برخی از تعاریفی که برای عدالت آمده است در زیر تشریح می‌گردد. ایان مک لین در فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد عدالت را در حوزه سیاست، وجود تعادل مناسب و در حقوق، بیانگر کاربردهای مفهوم تعادل می‌داند. یعنی محاکمه‌ای منصفانه که از جمله میان توان مدعی علیه اثبات بی‌گناهی و توان پیگرد قانون برای اثبات جرم تعادل صحیحی برقرار باشد (Ghorbani et al., 2019). در کتاب جمهوری اثر افلاطون لغت یونانی ایکاین به عدل یا عدالت ترجمه شده دارای معنای بسیار وسیع‌تری است از جمله راستگویی، درستکاری، انجام وظیفه، رعایت حقوق دیگران، حق‌شناسی، انصاف و خلاصه حسن اخلاق به وسیع‌ترین معنی کلمه (Koushan et al., 2019). عدله و عدالت در فارسی به سه معنا آمده است؛ دادگری، میانجیگری و برابری (Ghayehi et al., 2019). والزر در ارائه تعریف برای عدالت می‌گوید که با در نظر گرفتن مطلوبیت‌ها و نیازهای متفاوت، برابری محض این نیست که با همه به مانند هم برخورد شود،

www.SID.ir

Archive of SID

بلکه هدف برآوردن نیازهاست. داریوش آشوری نیز در دانش‌نامه خویش عدالت را اصلی حقوقی و سیاسی می‌داند که به موجب آن در همه امور اجتماعی باید با همه یکسان رفتار شود، مگر در آنجا که برای رفتار استثنایی در مورد برخی افراد و گروه‌ها دلایل کافی و خاص وجود داشته باشد (Zare and Amirahmadi, 2019). در قرآن کریم نیز به کرات به واژه‌ی عدالت اشاره شده است از جمله خداوند نگهبان عدل و درستی است (Al Imran, verse 18)، خداوند آن کسی است که میزان را در عالم وضع نمود (Rahman, verse 70). در آیه ۹۰ سوره نمل نیز خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد، همچنین در آیه ۷ سوره حشر می‌فرماید که ثروت نباید نزد گروهی اندک تجمع یابد و طبقه غنی ایجاد شود. این آیات نشان دهنده میزان اهمیتی است که خداوند به امر عدالت به عنوان زیربنای تعالی جامعه و تضمین کننده سعادت انسان قائل شده است (Panahi and Polladi, 2018).

در تبیین عدالت، محققان از منظرهای مختلف آن را مورد کنکاش قرار داده‌اند و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی متأثر از چندبعدی بودن این واژه است. لیکن در عموم تقسیم‌بندی‌ها و نظریات، عدالت را به دو گونه عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم نموده‌اند. عدالت افقی به معنی برخورد برابر با افراد در موقعیت‌های نابرابر مثلاً توزیع کوپن مواد غذایی به صورت سرانه و یا نظایر آن، اما عدالت عمودی به معنی برخورد نابرابر اما متناسب با افراد در موقعیت‌های نابرابر است. مثلاً وضع مالیات تصاعدی بر درآمد، نوعی عدالت عمودی است (Amini Nejad et al., 1977). آدامز عدالت را به دو نوع عدالت تخصیصی و توزیعی تقسیم کرده است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). وی معتقد است که عدالت اجتماعی باید در برگیرنده عدالت توزیعی و تخصیصی باشد. زیرا نمی‌توان منفعت عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیعی و تخصیصی در نظر گرفت. بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی شهری که مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باشد، باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق وهم در تخصیص آن‌ها مؤثر باشد. البته در این بین، ایلکان و فیلیپز نشان داده‌اند که بین فرهنگ‌ها از نظر عدالت اجتماعی تفاوت وجود دارد. فرهنگ‌های جمع‌گرا مثل چین بر برابری خواهی و فرهنگ‌های فردگرا مثل آمریکا بر فردگرایی اقتصاد و دیدگاه‌های مبتنی بر تناسب تأکید می‌کنند. رویکرد مبتنی بر تناسب شامل دو مؤلفه فردگرایی اقتصادی و انصاف و رویکرد برابری خواهی شامل دو مؤلفه نیاز و تساوی است (Keikhosravi et al., 2017). کاظمی پور در موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تصور در مورد عدالت اجتماعی در ۵۱ درصد مردم را توزیع امکانات به صورت مساوی، در ۲۱ درصد برحسب نیاز و در ۲۸ درصد مردم مفهوم عدالت اجتماعی را بر حسب توزیع امکانات بر حسب شایستگی گزارش داده‌اند. پس می‌توان نتیجه گرفت که توزیع امکانات به صورت مساوی، نگرش عمومی شهروندان ایرانی را نسبت به عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد (Delayi milan & Khaireddin, 2017).

مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل تأمل است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چند بعدی بودن این مفهوم است. اما مطلب حائز اهمیت این است که اساس هرگونه تغییر در سازمان فضایی، در روابط اقتصادی و اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه اثر مستقیم می-گذارد و مسلماً استفاده از مکانیسم‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف می‌تواند تأثیرات ضد و نقیضی در برقراری عدالت ایفا کند (Bagheri et al., 2016). موضوع عدالت فضایی در طی دو دهه گذشته توسعه زیادی یافته ولی تاکنون

www.SID.ir

Archive of SID

برنامه‌ریزان از ارائه یک ارزیابی کامل و همه جانبه از عدالت فضایی ناتوان بوده‌اند، زیرا که عدالت فضایی تاکنون به آسانی عملی نبوده است (Lotfi and Shakibibai, 2013). از طرف دیگر مطالعات علمی اندکی بر روی عدالت فضایی صورت گرفته است و مطالعات صورت گرفته نیز بیشتر بر توزیع تسهیلات عمومی و عمدتاً بر یک نوع واحد متمرکز شده‌اند (Manager and Hosseini, 2013). عدالت فضایی به زبان ساده، ترکیبی از فضا و عدالت اجتماعی است. همان طور که هنری لوفور اشاره می‌کند که جامعه انسانی فضا را سازماندهی می‌کند و زمانی که این فضا را وارسی کنیم، عدالت و بی‌عدالتی را در ساختار ملموس و ذهنی می‌توان مشاهده کرد (Ahedinejad et al., 2013). به طور کلی باید گفت که عدالت فضایی یک نقطه ثقل در زمینه برنامه‌ریزی و تأسیسات شهری و یک شاخه از عدالت اجتماعی است. دیویدهاروی به عنوان یک شخصیت شناخته شده در این زمینه به عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم اصلی اشاره دارد که باید از طریق روش‌های تجزیه و تحلیل جغرافیایی صورت پذیرد. برهمین اساس، عدالت شهری یک مفهوم اخلاقی و سیاسی است که شامل توزیع نابرابر درآمد و ثروت، جدای گزینی فضایی مسکن، تخصیص نابرابر کالاها و خدمات عمومی و مدنی نابرابر در میان طبقات، نژاد، قومیت و جنسیت در چهارچوب جوامع، شهرها و نواحی شهری است. بنابراین محققان بر نابرابری‌های اجتماعی و فضایی، فقر، نژادپرستی، تبعیض جنسی و... در شهرها تمرکز می‌کنند. واژه عدالت فضایی، محدود به زمان خاص نشده است و تا زمانی که از آن استفاده می‌شود کاربرد دارد، به گونه‌ای که امروزه در بین جغرافیدانان و برنامه‌ریزان نوعی گرایش به آن به منظور جلوگیری از بی‌عدالتی و جستجو برای عدالت و دموکراسی در جوامع معاصر وجود دارد. این مفهوم عمدتاً در ادبیات اخیر مورد توجه قرار گرفته است که سعی در بررسی مفاهیم و عملکردهای عدالت از دیدگاه جغرافیایی دارد و تجزیه و تحلیل‌های جغرافیایی نشان داده است که ساختار فضایی شهر بر پایه‌ی مجموعه‌ای از تجارب متنوع تفسیر شده است. بنابراین در عدالت فضایی جنبه‌های فضایی که بر موقعیت عدالت تأثیر می‌گذارند موضوع اصلی بحث هستند. همراه با عدالت فضایی بی‌عدالتی فضایی یا نابرابری فضایی نیز مطرح می‌شود. نابرابری فضایی در شهر می‌تواند هم به عنوان یک نتیجه و هم به عنوان یک فرایند در نظر گرفته شود. برای مثال می‌توان از الگوهای پراکندگی که به صورت عادلانه و ناعادلانه پخش شده‌اند، نام برد.

ابزارهای اعمال نظارت سیاسی

نظارت از جمله موضوعات و مفاهیمی می‌باشد که نمی‌توان برای آن یک تعریف واحدی انجام داد و همین امر باعث سردرگمی می‌شود در واقع نظارت یک مفهوم مضاف است که همیشه باید در پی مضاف الیه یا متعلق آن بیاید. (Rasekh, 2011: 15). در حقوق عمومی نظارت حوزه گسترده‌ای دارد که نه تنها شامل نظارت بر نهادهای تشکیل دهنده‌ی حکومت و دولت است، حتی به طور خاص نظارت بر مشروعیت حکومت و دولت را هم در بر می‌گیرد به این معنا که فراتر از نظارت بر اعمال حکومت، نظارت بر مشروعیت اصل نظام سیاسی هم مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد، پس از این رو نظارت نقش تعیین کننده‌ای را در حکومت و دولت ایفا می‌کند (Amid Zanjani and Musa Zadeh, 2020: 13).

در فرایند نظارت به دنبال میزان تطابق عملکرد افراد با قوانین می‌باشند تا بدین طریق بتوانند مطابقت دهند این نتایج را با اهداف سازمان تا اطمینان لازم حاصل گردد در نتیجه نظارت به معنای دقیق کلمه، عبارت از کنترل و بررسی

www.SID.ir

Archive of SID

اقدامات یک مقام و نهاد حکومتی از سوی مقام و نهادی دیگر است که غایت آن حصول اطمینان از باقی ماندن اقدامات یاد شده در حدود و ثغور قانونی است (Rasekh, 2190: 21). نظارت سیاسی از یک طرف با مباحث حقوقی مرتبط است و از طرف دیگر با علوم سیاسی به عبارت دیگر می‌توان گفت نقطه مشترک و نقطه تلاقی دو حوزه سیاست و حقوق به شمار می‌رود. از یک سو نفس نظارت یک عمل حقوقی است و از سوی دیگر زمانی که این نظارت در قالب سازمان‌بندی سیاسی حکومت مطرح می‌شود، با اندیشه‌های سیاسی ربط پیدا می‌کند و فلسفه نظارت سیاسی، جلوگیری از طغیان و سرکشی است که به استبداد و ظلم و بی‌عدالتی می‌انجامد. خطیرترین نوع نظارت همین نظارت می‌باشد (Javan Arasteh, 2005: 162). بنابراین به هر کاوش و نگرش درباره مجموعه اجزای حکومت از جانب هر عنصر باصلاحیت سیاسی نظارت سیاسی گفته می‌شود. در نتیجه این تعبیر، نظارت همگانی مردم نیز نوعی نظارت سیاسی است، زیرا هر شهروند دارای حق رأی در حقیقت یک فرد سیاسی تلقی می‌شود و لذا نظارت سیاسی در اینجا حوزه کلانی است که در آن از حق شهروندان در برابر دولت نیز سخن می‌رود و شیوه‌ها و ابزارهای لازم جهت تحقق نظارت شهروندان بر کار حکومت اندیشیده و مطالعه می‌شود (Javan Arasteh, 2005: 162). در مفهوم عام نظارت سیاسی باید به آن توجه کرد این است که شم سیاسی بر شم حقوقی غلبه دارد به این معنا که چه بسا روش‌های کنترل و نظارت مبتنی بر معیارهای صرف حقوقی نباشد و بر اساس خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی صرف باشد. از آنجا که در نظارت سیاسی سازمان‌بندی قدرت به طور مستقیم در متن نظارت قرار می‌گیرد، چه بسا بسیاری از تصمیم‌گیری‌هایی که از جمله مکانیسم‌های نظارت سیاسی به حساب می‌آید، مانند عزل و نصب‌ها بر اساس خط‌مشی‌های سیاسی صرف و صلاحدید مقام ناظر باشد.

اما نظارت سیاسی در معنای خاص نظارتی است که در نظام‌های پارلمانی و در پاسخگویی مقامات قوه مجریه در برابر قوه مقننه مطرح است. در این نوع نظارت مقامات قوه مجریه مانند وزرا و هیئت‌وزیران در اقدامات و تصمیم گیرهای خود باید پاسخگو به قوه مقننه باشند. ضمانت اجرای این نوع نظارت سیاسی حسب مورد رأی عدم اعتماد و در نهایت برکناری وزیر است و در نظارت سیاسی به طور عام نیز نوعی عزل و برکناری وجود دارد؛ اما تفاوت آن با نظارت سیاسی در معنای خاص این است که ماهیت و شم صرفاً سیاسی ندارد، بلکه معیارها و مکانیسم‌های حقوقی نیز در این معنا وجود دارد، به طور مثال روش‌های رأی‌گیری در پارلمان برای اخذ رأی اعتماد و عدم اعتماد بلکه قانون‌گذار مشخص کرده است.

ابزارهای مردمی

۱-نظارت همگانی (امربه‌معروف و نهی از منکر)

نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر از بزرگ‌ترین محور دین و مسئله مهمی است که برای آن خداوند تمام پیامبران را برانگیخت. چنانکه اگر بساط امر به معروف و نهی از منکر برچیده و از منظر عملی و علمی مجمل گذارده شده بود، نبوت بیهوده می‌گشت و دیانت نابود می‌شد، بدون تردید بازسازی و تعالی شخصیت معنوی آدمی، هدف اصلی همه رسولان الهی بوده است و به دلیل اهمیت این مهم اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را در میان مردم و به شکل متقابل میان مردم و دولت به عنوان یک وظیفه همگانی در جمهوری اسلامی به

www.SID.ir

Archive of SID

رسمیت شناخته و مبنای این حکم را نیز دستور صریح قرآن کریم می‌داند و هدف نظارت همگانی انجام معروف و مبارزه با منکر به منظور پاکی و سلامت جامعه است.

اصل هشتم قانون اساسی بیان می‌دارد:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

آنچه که در این اصل مهم، جلب توجه می‌کند دو مطلب است:

یکی این که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه عمومی و همگانی شمرده شده است؛ و دیگر این که وظیفه عمومی، فقط مختص به عموم مردم نیست بلکه، هم مردم و هم ارگان‌های دولتی را موظف می‌کند که در اجرای این اصل کاربردی کوشا باشند و بنابراین، همه اشخاص و سازمان‌های حقیقی و حقوقی را در برمی‌گیرد.

۲- مطبوعات و رسانه‌های جمعی

مطبوعات و رسانه‌های گروهی، یکی از وسایل مؤثر نظارت بر امور عمومی و حکومتی به شمار می‌روند که تأثیر فراوانی بر ساماندهی و هدایت افکار عمومی و رشد و شکوفایی جامعه که موجب پیشرفت کشور خواهند شد (Mahmoodi, 2008: 166) و این امر زمانی تحقق می‌شود که رسانه‌های گروهی از آزادی بیان برخوردار باشند اگر رسانه‌ها از آزادی و حمایت قانونی لازم برخوردار باشند به نحو مؤثرتری این کارکرد را در جامعه ایفا خواهند کرد.

می‌توان گفت نقطه آغاز استفاده از رسانه گروهی به شکل امروزی در نظام حقوقی ایران را در زمان انقلاب مشروطه جستجو نمود و نقش انکار نشدنی علما و وعاظ دینی از طریق سخنرانی و افشاگری‌ها علیه حکومت در مساجد و منابر بوده است و نقش روشنفکران مشروطه‌خواه از طریق آشنا کردن ملت با افکار سیاسی و اجتماعی نوین از طریق سایر رسانه‌های گروهی، بسیار تعیین کننده و حائز اهمیت باشد، به طوری که عمده فعالیت روشنفکران در به ثمر رسیدن نهضت مشروطه از طریق نوشته‌ها، تماس حضوری و کتبی، اقدامات اصلاحی و اجرایی و نوشتن روزنامه‌ها صورت می‌گرفت و آنچه پیداست این است که گروه روشنفکران در این انقلاب با توسل به ابزارهای مختلفی چون روزنامه، شب‌نامه، بحث و گفتگو، تشکیل جلسات تصمیم‌گیری در بیداری و تهییج اقشار مختلف جامعه در مبارزه با استبداد و استعمار کوشش فراوانی نمود (Farmer Shokri & Farhadi, 2011: 189).

مطبوعات جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارند و در قانون اساسی به صراحت از مطبوعات یاد شده است و برای دست اندرکاران آن تکالیف و حقوق ویژه‌ای معین گردیده است لذا در مقایسه با مشاغل دیگر، فعالیت‌های مطبوعاتی را نمی‌توان صرفاً یک حرفه دانست، بلکه باید آن را بخشی از ابزار اعمال حقوق عمومی مندرج در قانون اساسی تلقی کرد (Bordbar, 2001: 41).

قانون‌گذار در اصل ۲٤ قانون اساسی در مورد آزادی مطبوعات مقرر می‌دارد:

(نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند).

www.SID.ir

Archive of SID

مبنا قرار دادن این اصل و همچنین قانون مطبوعات در جمهوری اسلامی در عمل سرنوشت آزادی مطبوعات را در گرو مجوز اعطایی از سوی هئیت نظارت بر مطبوعات می‌داند که اکثریت اعضای آن را نمایندگان قدرت عمومی تشکیل می‌دهند. تصمیمات هیئت نظارت قطعی است. البته این امر مانع از شکایت افراد ذینفع در دیوان عدالت اداری نخواهد بود (Hashemi, 2011: 364). آزادی مطبوعات و آزادی بیان یک اصل غیرقابل انکار است اما نکته قابل ذکر این است آزادی بیان باید وسیله‌ای در راه رشد و شکوفایی افراد و اجتماع در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد نه مورد سوء استفاده افرادی که در جهت خیر مردم حرکت نمی‌کنند خواه اقدامات آنان از روی عمد و آگاهی یا از روی بی‌مبالاتی و ناآگاهی باشد و به همین خاطر است در راستای حفظ امنیت، تمامیت عرضی، سلامت و نظم عمومی، باورهای دینی و اخلاقی، محافظت از حیثیت و حقوق سایر مردم و نظایر این‌ها حکومت‌ها فقط می‌توانند حق بیان و آزادی مطبوعات را محدود نمایند. ازاین‌رو قانون اساسی ایران در اصل بیست و چهارم ضمن تصریح این حق که نشریات و مطبوعات در جریان مطلب آزادند...) تنها به تعیین حدود آن‌ها می‌پردازد و اضافه می‌کند مگر اینکه مخل به مبنای اسلام و حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند (Bordbar, 2001: 43).

منظور از مبنای اسلام مرز میان اسلام و کفر می‌باشد که در این صورت اصول توحید، نبوت و معاد به عنوان مبنای دین خواهد بود و اما از مذاکرات خبرگان قانون اساسی چنین بر می‌آید که عناوینی همچون توهین به مقدسات اسلامی و شعائر دینی، نشر کتب مضله مبنی بر رد خدا و پیامبر و تضعیف عقاید مردم از موارد اخلال به مبنای اسلام بوده است و اصطلاح حقوق بیشتر ناظر به عمومی، است که به دولت مربوط می‌شود اما در مفهومی دیگر این اصطلاح مربوط به شخصیت انسان و ناظر بر روابط دولت و مردم و به عبارت بهتر ناظر بر حقوق بنیادین بشر می‌باشد.

از مذاکرات خبرگان قانون اساسی چنین بر می‌آید که عناوین مخالف با عفت عمومی، افترا و تعرض به شرف و حیثیت انسانی و هتک حیثیت اشخاص، ترویج فساد، انتشار مطالبی که موجب گمراهی مردم می‌گردد، فاش کردن اسرار نظامی، مطالب مخل به امنیت عمومی، نشر اکاذیب و توطئه و تحریک مردم علیه حکومت از موارد اخلال به حقوق عمومی می‌باشد (Hashemi, 2006: 368).

۳- احزاب و تشکل‌های سیاسی

احزاب سیاسی، یکی از مشخصه‌های اصلی حیات سیاسی در کشورهای معاصر هستند و شکل‌گیری و توسعه آن‌ها به قرون نوزدهم و بیستم بر می‌گردد. احزاب سیاسی را به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی حکومت و پل ارتباطی ملت‌ها با حکومت‌های مدرن نام می‌برند. بدون تردید، دموکراسی تنها با حضور مستمر و فعال احزاب می‌تواند دوام یابد. احزاب سیاسی در کشورها و رقابت بین آن‌ها برای به دست گرفتن قدرت، باعث می‌شود تا هر حزبی سعی کند تلاش بیشتری برای کسب رضایت مردم خود انجام دهد تا بتواند قدرت را به دست گیرد و یا در قدرت باقی بماند و حتی احزاب مخالفی که قدرت را در اختیار ندارند، همانند یک دولت سایه عمل می‌کند و به این طریق از انحرافات دولت تا حدود جلوگیری می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

درباره‌ی حزب تعاریف زیادی ارائه شده است و اکثر دانشمندان علم سیاست آن را تعریف کرده‌اند؛ اما درباره‌ی تعریف آن اتفاق نظر چندانی دیده نمی‌شود و هریک از بر اساس برداشت‌های علمی و یافته‌های تجربی خویش آن را تعریف کرده‌اند؛ اما قبل از پرداختن به تعریف آن، در یک تعریف کلی می‌توان گفت: تشکل سیاسی عبارت است مجموعه افرادی که بر مبنای تفکری مشترک در تشکیلاتی گرد هم می‌آیند تا در جهت تحقق آرمان‌ها و اهداف مشترک بر اساس خط‌مشی واحد و برنامه‌هایی مشخص فعالیت نمایند.

در ایران در دهه قبل از انقلاب مشروطه انواع جمعیت‌های سیاسی و فرهنگی در ایران تشکیل شد که ایده‌های اولیه اصلاحات و حکومت مشروطه برای اولین بار در این جمعیت‌ها مطرح گردید. مدارس جدید، کتابخانه‌های عمومی، اتحادیه‌های تاجران و غیره نمونه‌های از این مجامع به شمار می‌روند و بعد از مرگ ناصرالدین‌شاه و آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه در ایران فضای نسبتاً باز و آزادی به وجود آمد، مظفرالدین شاه سلطنتش را با اتخاذ سیاست‌های لیبرالی آغاز نمود، از جمله اینکه تشکیل انجمن‌های صنفی و تشکیلاتی را تشویق می‌نمود. اصلاح‌طلبان و آزادی خواهان با مشاهده این وضعیت فرصت را غنیمت شمرده و کم‌کم دورهم گردآمده و مجامع مختلفی تشکیل دادند (Abrahamian, 1997: 97). احزاب سیاسی ایران را در چند دوره می‌توان بررسی کرد که در فواصل این دوره‌ها مقاطع صعود و رکود و توقف تحزب دیده می‌شود که به نظر می‌رسد رونق و کسادی فعالیت احزاب در ایران با میزان مردم‌سالاری و دیکتاتوری بودن حکومت بی‌ارتباط نیست. دوره اول تأسیس اولین مجلس مشروطه تا استقرار سلطنت رضاشاه را شامل می‌شود: در همان دوره اولین مجلس قانون‌گذاری شاهد شکل‌گیری برخی جریانات سیاسی در قالب احزاب هستیم، لکن مشاهده می‌کنیم که سنت حزب گرایی از همان ابتدا با مشکل روبه‌رو بود و احزاب تحمل افکار یکدیگر را که از لوازم مردم‌سالاری است نداشتند و به‌طور کلی ایران فاقد هر نوع حزب سیاسی با معیار کشورهای مغرب زمین بود. در مجلس گروه‌های مختلفی وجود داشتند لکن فاقد هر نوع تشکیلات به جز یک نفر لیدر بودند و کار آن‌ها اصولاً به احزاب سیاسی شباهتی نداشت (Sadeghi Neshat, 2015: 267).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ وقتی که پرده ظلمانی استبداد کنار رفت هزاران روشنفکر و عالم و صدها انجمن، حزب و تشکیلات سیاسی که همه خواهان تغییر اوضاع بودند ظاهر گشتند و دست برادری به یکدیگر دادند و همگی برای به دست آوردن و پاسداری از حکومت اسلامی در زیر پرچم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی جای گرفتند. (Mahmoudi, 2008: 57). در اواخر سال ۱۳۵۷ گروه‌ها و احزاب زیادی با برنامه‌های متفاوت پا به عرصه وجود گذاشتند که برخی از آن‌ها اجازه راه‌یابی به دولت را نیز یافتند. البته برخی از این گروه‌ها جدید التاسیس نبوده بلکه مربوط به دوره قبل از انقلاب می‌باشد.

قانون‌گذار فعالیت احزاب و گروه‌ها را آزاد کرده است البته رعایت شروطی به طوری که در اصل بیست و ششم قانون اساسی به شرح ذیل که آمده است: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. پس از اصل مزبور، اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده که همه امکانات خود را برای اموری به کاربرد که از جمله آن‌ها بند ۷ اصل سوم قانون اساسی: تأمین آزادی‌های سیاسی و

www.SID.ir

Archive of SID

اجتماعی در حدود قانون و بند ۸ اصل سوم قانون اساسی: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش: و نیز اصل نهم قانون اساسی آورده (... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند) با توجه به اصول مذکور، با صراحت آزادی احزاب پذیرفته شده ولی مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند؛ و نیز فعالیت سیاسی مردم در قالب احزاب به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده است. لذا از نظر قانون اساسی وجود حزب در نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ با ۱۸ ماده توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که این قانون بر فعالیت احزاب سیاسی، اصناف، انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده نظارت می‌کند.

٤- از راه تجمع و راهپیمایی:

آزادی اجتماع عمومی، عبارت است از گردآمدن موقت گروهی از افراد بر حسب قرار یا دعوت قبلی در محل معین به بیانی دیگر، آزادی اجتماع عمومی عبارت است از اینکه افراد بتوانند برای تبادل افکار و یا دفاع از منافع خود در اجتماعی مانند سخنرانی، میتینگ، مارش (راهپیمایی) و تظاهرات خیابانی که برای این منظور از طرف اشخاص معین ترتیب داده می‌شود، آزادانه شرکت کنند (Tabatabai Moteni, 1991: 91). این قسم آزادی که به دنبال (آزادی عقیده و بیان) مطرح می‌شود، یکی از ابزارهای مهم نظارت ملت بر تصمیمات و اقدامات دولت. بدیهی است اگر وسعت این اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها زیاد باشد به طوری که بخشی وسیعی از مردم در آن شرکت کنند، حکومت چاره‌ای جز تمکین در برابر نظرات آن‌ها نخواهد داشت و در صورت مقابله با آن‌ها ندید گرفتن خواستشان زمینه را برای انقلاب مهیا خواهد کرد (Sadeghi Neshat, 2015: 148). البته آزادهای افراد، از جمله آزادهای گروهی همچون آزادی تشکیل اجتماعات عمومی باید ضابطه‌مند باشد و در چارچوب قانون اجرا گردد، وگرنه به هرج‌ومرج منجر می‌شود. قانون، مبین حاکمیت و اراده ملی است و اوصاف عمومی و غیرشخصی خود فرمانروایان و فرمان‌بران را به گونه برابر تحت تبعیت ثابت و معین در می‌آورد. بر همین اساس حقوق و آزادی‌های مردم تضمین می‌شود و راه بر خودکامگی‌های زمامداران بسته می‌شود (Hashemi, 2006: 88).

تأثیر راهپیمایی‌ها مخصوصاً در زمان اوج انقلاب اسلامی به قدری بود که مجلس شورای ملی با نمایش اظهارات تند و انتقاد آمیز از دولت‌ها سعی در تعدیل حرکت‌های انقلاب داشت که به دلیل بی‌اعتمادی عمومی نسبت به مجلس و نمایندگانش کاری از پیش نبرد و نه تنها جلوی حرکت انقلاب را نگرفت به آگاهی مردم نسبت به فساد دوران حاکمیت افزود (Ibid., 2006: 370).

تجربه نشان داده است که اکثر اجتماعات خودجوش و مردمی به منزله اخطار به دولت درباره امور اجتماعی و حقوق جمعی مردم در زمینه خاص می‌باشد برخی از سیاست‌ها و اعمال دولت که ممکن است عواقب سوئی را به‌جای گذارد، اصولاً مورد اعتراض همگان مردم و یا گروهی از آنان قرار می‌گیرد، این‌گونه اعتراضات جمعی در واقع یک نوع اعلام بیزاری نسبت به خدشه‌دار کردن حقوق مردم بوده و می‌توان از آن تلقی به نهی از منکر نمود و اگر نهی از منکر دولت را واجب بدانیم شک نیست که تعاون و اجتماع مردم بدان منظور ضروری خواهد بود. در تحریر الوسیله امام خمینی نیز آمده است: اقامه امر واجب و باز داشتن از منکری که بر اجتماع عده‌ای در امرونهی

www.SID.ir

Archive of SID

متوقف باشد تنها با قیام جمعی از مسلمین، مادام که به حد کفایت نرسیده‌اند از دیگران ساقط نمی‌شود و اجتماع به حد کفایت واجب است، اگر عده‌ای کمتر از حد کفایت اجتماع کردند و بقیه جمع نشدند و اجتماع ممکن نگردید، هر چند که وجوب ساقط نمی‌شود، اما کسانی که از انجام این امر مهم تخلف نمایند گناهکار خواهند بود؛ بنابراین می‌توان اجتماعات و راهپیمایی‌های مردم را که قانون اساسی به عنوان حقوق ملت مقرر داشته، از باب امر به معروف به عنوان یک وظیفه شرعی همگانی تلقی نمود. از طریق این حق اجتماعی و تکلیف شرعی می‌توان به عنوان ابزار قدرت مهار کننده، علیه گرایش دولت به استبداد استفاده کرد و بدین وسیله سلامت هئیت حاکمه را بیشتر تضمین نمود (Hashemi, 2006: 260).

ابزارهای قانونی مجلس شورای اسلامی

اصل مسئولیت، به عنوان یک اصل سیاسی و حقوقی مخصوص دولت‌هایی است که بر مبنای حاکمیت مردم و حاکمیت قانون پایه‌ریزی شده است که این مسئولیت به حقوقی و سیاسی تقسیم می‌شود. مسئولیت حقوقی شامل مسئولیت مدنی و کیفری می‌باشد که جنبه‌ی قضایی دارند؛ اما مسئولیت سیاسی با مسئولیت مدنی و کیفری متفاوت است و ماهیت قضایی ندارد. بلکه به علت عدم تفاهمی است که از اعمال سیاسی دولت ایجاد می‌شود.

آیین مسئولیت سیاسی بدین صورت است که در نظام تفکیک قوا، اصولاً قوه مقننه در مقام نظارت بر اعمال قوه مجریه و ضرورت پاسخگویی این قوه قرار می‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر در رژیم پارلمانی و نیمه پارلمانی که مجلس مظهر اراده ملت و مرجع نهایی قانون‌گذاری است. یکی از مهم‌ترین وظایف این نهاد اعمال نظارت و کنترل اعمال قوه مجریه است زیرا عدم کنترل می‌تواند موجب انحراف، اشتباه و احیاناً فساد گردد. از جمله مهم‌ترین ابزارهای قوه مقننه به منظور نظارت بر اعمال قوه مجریه بعد از تذکر، سؤال و استیضاح است.

۱- تذکر:

تذکر را می‌توان یکی از ضعیف‌ترین ابزارهای نظارتی مجلس دانست البته در مقایسه با دیگر ابزارهای که مجلس در اختیار دارد و ضمانت اجرای این نوع نظارت زمانی خود را نمایان می‌کند که شروعی شود برای استفاده از اهرم‌های قوی نظارتی دیگر مثل سؤال و استیضاح که از تذکر شدیدتر می‌باشد.

صبغه این نوع نظارت در کشور ما به دوره مشروطه بر می‌گردد به این صورت که در قانون اساسی مشروطیت اصل ۲۷ قانون اساسی که مصوب چهاردهم ذی العقده ۱۳۲٤ ه.ق تذکر را به این صورت نگارش می‌دارد: مجلس در هر جا نقصی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند، به وزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد.

واژه اخطار در متن مذکور به معنای تذکر در قوانین امروزی می‌باشد.

همچنین در آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس آن زمان این اصل از قانون اساسی مشروطه را به این صورت تبیین می‌نماید:

در صورتی که نماینده‌ای اصلاح اندیش‌هایی داشته باشد و یا در یکی از سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت و یا مؤسساتی که با کمک یا سرمایه مالی دولت اداره می‌شود یا هر نوع سازمان و موسسه که بعضاً یا کلاً از وجوه عمومی اداره می‌شود عملیات مخالف اصول یا برخلاف قانون مقررات قانونی مشاهده نماید. یا از سوء جریان

www.SID.ir

Archive of SID

اداره‌ای اطلاع پیدا کند حق دارد راجع به آن موضوع توسط رئیس مجلس، به وزیر مسئول یا نخست‌وزیر کتباً تذکر بدهد:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هیچ اصل به‌صراحت به بحث تذکر اشاره نشده است اما از اطلاق اصول دیگر قانون اساسی از جمله اصول ۸ (نظارت همگانی امر به معروف و نهی از منکر)، اصل ۷٦ (حق تحقیق و تفحص) و اصل نود (رسیدگی به شکایات‌های راجع به طرز کار قوای سه‌گانه) برداشت نمود (Razavi Nejad, 2009: 64).

اگر هم نتوان این اصول را مبنای حق تذکر نمایندگان شناخت، به خاطر آنکه قانون اساسی در این خصوص مورد نداشته و دولت در برابر مجلس مسئولیت دارد (اصل ۱۲۲) قوانین عادی می‌توانند مسئله تذکر را شکل دهند و برای آن شرایط و حدودی قائل شوند (Madani, 1991: 202).

تذکر علاوه بر آن که جنبه‌ی سازندگی و کتبی باید داشته باشد نمایندگان تذکر دهنده‌ی مجلس نیز بایستی با حساسیت به دنبال اخذ پاسخ از مقام مربوط باشند و در صورت عدم پاسخ از سوی آنان مراتب را به اطلاع عموم نمایندگان مجلس برسانند تا از این طریق آن‌ها در جریان امور قرار گرفته و زمینه سؤال و استیضاح از آن مقام اجرایی را فراهم آورند.

۲- سؤال:

یکی از ابزارهای نظارتی نمایندگان مجلس بر روی رئیس‌جمهور و وزراء سؤال می‌باشد. نمایندگان مجلس در برابر آحاد ملت مسئول و پاسخگو می‌باشند به همین دلیل حق دارند در تمام مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نمایند و حق سؤال ناشی از همین سمت نمایندگی می‌باشد.

سؤال از وزیر:

در قانون اساسی مشروطه و متمم آن به طور واضح از این نوع نظارت حرفی به میان نیامده است. شایان ذکر است از اصل شصتم متمم این قانون اساسی می‌توان این ابزار نظارتی را برداشت نمود طبق اصل شصتم متمم قانون اساسی مشروطه: وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند، باید حاضر گردند و نسبت به اموری که محول به آن‌ها است، حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

با توجه به اینکه که مسئول در اصل فوق معنی لفظی آن یعنی پاسخگو اراده شده است، باید اذعان نمود که این اصل راجع به حق نمایندگان در سؤال کردن از وزراء می‌باشد. همچنین اصل چهل و دوم قانون اساسی وزراء را مکلف به جواب دادن به مجلس شورای ملی در مقابل توضیح خواستن از آن‌ها نموده است، نیز بر ثبوت همین حق حمل نمود. بر اساس موادی از آیین‌نامه مجلس شورای ملی و آیین‌نامه مجلس سنا، سؤال وقتی قابل طرح می‌باشد که قبلاً به طور صحیح و با رعایت اختصار و کتباً به وسیله مجلس برای وزیر مربوط، فرستاده شده باشد و دولت مکلف است از تاریخ ابلاغ سؤال، ظرف یک هفته آمادگی خود را برای جواب سؤال اعلام کند. والا باز خواست می‌شود، مگر در مورد مطالبی که دولت استتار آن‌ها را لازم بداند، در این صورت در جواب سؤال، لزوم استتار را در ظرف همان مدت اظهار می‌دارد و از دادن پاسخ خودداری می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

اصل ۸۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳٦۸ اشعار می‌دارد:

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس‌جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس‌جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتاد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

سؤال از رئیس‌جمهور:

طرح سؤال از رئیس‌جمهور در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳٦۸ در متن قانون اساسی اضافه گردید با توجه به اینکه حقوق و تکالیف نخست وزیر به رئیس‌جمهور انتقال یافته است. در قانون اساسی اسبق مجلس می‌توانست از نخست وزیر سؤال کند و طرح سؤال از رئیس‌جمهور به نظرمی‌رسد به خاطر افزایش اختیارات وی می‌باشد که قانوناً به وی محول شده است.

ماده ۲۱۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی:

بر اساس اصل ۸۸ قانون اساسی، در صورتی که حداقل یک چهارم کل نمایندگان بخواهند درباره یکی از وظایف رئیس‌جمهور سؤال کنند، باید سؤال خود را به طور صریح و روشن و مختصر همگی امضاء و به رئیس مجلس تسلیم نمایند. رئیس مجلس موضوع را در اسرع وقت به کمیسیون تخصصی ارجاع می‌نماید. کمیسیون موظف است حداکثر ظرف یک هفته با حضور نماینده معرفی شده رئیس‌جمهور و نماینده منتخب سؤال کنندگان تشکیل جلسه دهد.

پس از یک هفته چنانچه هنوز حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس (که سؤال را امضاء نموده‌اند) از سؤال خود منصرف نشده باشند رئیس مجلس موظف است در اولین جلسه سؤال آنان را قرائت و فوراً برای رئیس‌جمهور ارسال کند. این سؤال ظرف چهل و هشت ساعت تکثیر و در دسترس نمایندگان قرار می‌گیرد

۳- استیضاح:

استیضاح شدیدترین نوع نظارتی است که مجلس نسبت به اعضای قوه مجریه اعمال می‌نماید. فرایندی است که به موجب آن رأی اعتماد اعطایی گذشته مجلس به اعضای هیئت دولت، پس گرفته می‌شود و نتیجه آن عزل اعضای قوه مجریه است و به طور کلی استیضاح زمانی صورت می‌گیرد که سوء مدیریت و یا اقدامات و اعمال سیاسی نامناسب و نسنجیده از وزراء یا وزیر مربوط سرزند و یا رئیس‌جمهور در اداره مسئولیت‌های خود کفایت لازم را نداشته باشد و با توجه به جایگاه فوق‌العاده مهم قوه مجریه به ویژه وزراء که نقش به سزایی در اجرای قانون اساسی و اداره بخشی از امور کشور دارند، نظارت و کنترل مجلس نسبت به آنان اجرا می‌شود.

در قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵ هجری شمسی از واژه استیضاح استفاده نشده است. این در حالی است که می‌توان از اصل ٤۲ این قانون که عبارت (توضیح خواستن مجلس شورای ملی از وزیر مسئول) را به کار برده، مسئله استیضاح را برداشت نمود.

www.SID.ir

Archive of SID

همچنین اصل ٦٧ متمم قانون اساسی، اثر حقوقی استیضاح را در صورت عدم رضایت مجلس شورای ملی یا مجلس سنا از هیئت‌وزیران یا وزیر مربوط، عزل آنان پیش‌بینی نموده است. این قانون طرح استیضاح را به خواست مجلس شورای ملی در مورد هر امری که آنان بخواهند مجاز شمرده است و دقیقاً مشخص نکرده است چه تعداد از نمایندگان می‌توانند وزرا را استیضاح نمایند، ولی از آنجا که اصل ٦٦ متمم قانون اساسی مشروطه تعیین این چگونگی را به عهده قانون نهاده است و تا قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ١٣٦٨ در خصوص سؤال از وزراء موضوع اصل ٨٨ این قانون و استیضاح مقرر در اصل ٨٩ اصلاحی، سخنی از رئیس‌جمهور وجود نداشت، بدین ترتیب بر اساس اصل ١٢٢ قانون اساسی ١٣٥٨ (رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایف خویش در برابر ملت مسئول) بوده که نحوی رسیدگی به تخلف از این مسئولیت را قانون معین می‌کرد.

استیضاح وزراء:

بند ١ اصل ٨٩ قانون اساسی در خصوص استیضاح وزیر یا هیئت وزیران مقرر می‌دارد: ((نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت‌وزیران یا هر یک وزراء را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ١٠ نفر از نمایندگان مجلس تقدیم شود).

با توجه به اینکه موضوع استیضاح به مواردی خاصی محدود نمی‌شود به همین دلیل نمایندگان می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند از حق خود جهت استیضاح استفاده نمایند.

با عنایت بر اصل ١٣٧ قانون اساسی (هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در باربر رئیس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست)

مجلس شورای اسلامی می‌تواند یک وزیر یا تعداد بیشتری از وزراء را استیضاح نماید همچنین مسئولیت فردی و جمعی برای وزراء وجود در مقابل شخص رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی لذا مجلس می‌تواند از حق خود که همان استیضاح می‌باشد استفاده نماید. قانون اساسی حضور وزیر در مجلس را یک وظیفه تکلیفی دانسته و تأکید می‌نماید وزیر باید در مجلس حاضر شود ولی این احتمال هم وجود دارد که وزیر در جلسه استیضاح حاضر نشود لذا صرف عدم حضور وزیر را نمی‌توان دلیلی برای رأی عدم اعتماد به وزیر دانست و قانون اساسی مقرر داشته نمایندگان درباره استیضاح توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد، اعلام رأی اعتماد یک رأی با نظر قطعی نیست که به صرف عدم حضور وزیر در مجلس صادر شود بلکه منوط به توضیح نمایندگان استیضاح کننده و امتناع وجدان جمعی مجلس می‌باشد و این احتمال نیز وجود دارد که رأی عدم اعتماد نشود زیرا در چنین وضعیتی نمایندگان تکلیفی در دادن رأی عدم اعتماد ندارد.

استیضاح رئیس‌جمهور:

در قانون اساسی مصوب سال ١٣٥٨ سخنی از استیضاح رئیس‌جمهور به میان نیامده بود و در بازنگری این قانون در سال ١٣٦٨ با عنایت به حذف و نبود پست نخست‌وزیری و واگذاری اختیارات این پست به رئیس‌جمهور و افزایش مسئولیت‌های رئیس‌جمهور، استیضاح رئیس‌جمهور و پاسخگو بودن او در مقابل مجلس را در قانون اساسی اضافه گردید.

www.SID.ir

Archive of SID

بند ۲ اصل ۸۹ قانون اساسی مقرر می‌نماید:

(درصورتی‌که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسایل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یک‌صد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد).

با عنایت به شأن و مقام رئیس‌جمهور و جایگاهی که در نظام اجرایی کشور دارد استیضاح وی دارای شرایط ویژه‌ای می‌باشد.

تقاضای استیضاح رئیس‌جمهور وقتی قابل طرح در مجلس است که حداقل به امضای یک سوم کل نمایندگان مجلس رسیده باشد؛ بنابراین بیش از ۹۷ نمایندگان باید خواهان استیضاح رئیس‌جمهور باشند تا موضوع استیضاح قابلیت طرح در مجلس را داشته باشد.

٤- تحقیق و تفحص

در حقوق اساسی تمام ملل متمدن نیز این اصل پذیرفته شده که مجلس نمایندگان هر ملتی، نماینده و مظهر اراده‌ی ملی است و ملت می‌تواند به وسیله‌ی نمایندگانش در کار و رفتار تمام اشخاص حقیقی یا حقوقی چه حقوق عمومی و بعضی موارد در حقوق خصوصی و همچنین بر دستگاه‌ها نظارت داشته باشد برای آنکه از شیوه‌ی عمل آن‌ها زیانی متوجه کشور نشود. به این ترتیب هیچ شخصی نمی‌تواند مدعی شود که از ملت بزرگ‌تر و از قوانین مصوب مجلس نمایندگان مردم بالاتر است و با توجه به این که تحقیق و تفحص از مؤثرترین ابزارهای نظارت پارلمان بوده و قانون اساسی با ذکر عبارت (تمام امور) اختیارات بسیار وسیعی را در این رابطه قائل شده و عبارت مذکور در مفهوم مادی همه مسائل داخلی و بین‌المللی و در مفهوم سازمانی تمام، تمام سازمان‌ها و مقامات را مشمول اصل نظارت مقرر در اصل ٧٦ قانون اساسی نموده است (Hashemi, 2007: 172).

اصل ٦٧ پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر می‌داشت:

((مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور دارد)

اصل ٦٧ قانون اساسی از جمله اصولی است که بدون رأی مخالف و تقریباً به اتفاق آرا تصویب شده است.

در جریان قرائت اصول مصوب قانون اساسی و امضای نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی عبارت ((در هر یک از امور کشور)) به عبارت (در تمام امور کشور) تغییر یافت. تا جلوی محدود شدن صلاحیت مجلس در امر تحقیق و تفحص گرفته شود. اصل ٦٧ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت قلمرو صلاحیت مجلس شورای اسلامی را تمام امور کشور می‌داند و استثنایی را هم قائل نشده است ولی تفاسیر شورای نگهبان به مرور آن قلمرو را محدود کرده است.

٥-کمیسیون اصل ۹۰

یکی از ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی در نظام حقوقی ایران کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی است که

www.SID.ir

Archive of SID

تحت نظر مجلس شورای اسلامی به شکایات مردم علیه طرز کار قوای سه گانه رسیدگی می‌کند. اصولاً شکایات مردم و رسیدگی به آن‌ها ماهیتی قضایی داشته و قوه قضاییه مسئول احقاق حقوق افراد متضرر از تخلفات و خسارات می‌باشد، ولی با این وجود مشاهده می‌شود که بسیاری از اشخاص نمی‌توانند پاسخ مورد قبولی را از دادگاه‌ها کسب و نفس خود را راضی نمایند بدین‌جهت باید در عمل نهادهای دیگر نیز باشند تا مردم اعتراض خود را از مسئولین رده‌بالای کشوری بالأخص مسئولین خود قوه قضاییه که رأساً مسئولیت برقراری عدالت در جامعه را بر عهده دارند، به گوش آن‌ها برسند (Hashemi, 2007: 165). رسیدگی به شکایات در مجلس دارای ماهیت خاص پارلمانی و اصولاً متفاوت با رسیدگی قضایی است، بدین معنی که مراجع قضایی برای هر شکایت موظف به رسیدگی و صدور حکم لازم‌الاجرا می‌باشند در حالی که اقدامات مجلس، پس از بررسی در موارد فردی (ارائه پاسخ کافی) و در مواردی که مربوط به عموم باشد (اطلاع عامه) است. با این وصف می‌توان چنین استنباط نمود که اقدامات مجلس بیشتر جنبه سیاسی و معنوی دارد و اثر روانی بر جامعه و اثر ارشادی بر دستگاه‌ها به جای می‌گذارد (Hashemi, 2007: 168). این کمیسیون یکی از شعبه‌های داخلی مجلس شورای اسلامی محسوب می‌شود که اعتبار خود را از اصل ۹۰ قانون اساسی به عاریه گرفته است. اصل ۹۰ قانون اساسی، در واقع تقلیدی از ماده ۳۲ قانون اساسی مشروطه است که بیان می‌داشت (هر کس از افراد ناس می‌تواند عرض حال یا ایرادات و شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد. اگر مطلب راجع به خود مجلس باشد، جواب کافی به او خواهد داد و چنان چه مطلب راجع به یکی از وزارتخانه‌هاست، بدان وزارتخانه خواهد و ستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند) لازم به ذکر است که ماده ۳۲ قانون اساسی مشروطه ترجمه‌ای از قوانین اساسی کشورهای اروپایی است که گفته می‌شود این ماده ترجمه ماده ۲۱ قانون اساسی بلژیک است (Guardian Council Research Center, 2010: 1).

قلمرو رسیدگی مجلس بسیار وسیع و گسترده است بدین معنی که هر کس می‌تواند از طرز کار تمام قوای حاکم (مقننه، مجریه، قضاییه) و همه سازمان‌هایی که به هر نحو زیر نظارت این قوا هستند شکایت کند. مکاتبه با مراجع مورد شکایت، دعوت از مقامات مسئول آن مراجع، اعزام هیئت تحقیق، بررسی تحلیل قضیه برای شناخت مراتب تخلف و ارائه جواب کافی، مجموعه اقدامات گسترده‌ای است که مجلس را به محض وصول شکایت درگیر می‌سازد (Hashemi, 2006: 167).

اصل ۹۰ قانون اساسی و ساز و کار ناشی از آن را می‌توان نوعی نظارت عمومی بر قوای سه گانه تلقی کرد که به واسطه مردم اعمال می‌شود (Rasekh, 2011: 88). به نظر می‌رسد مکانیسم نظارت مستقیم مردم بر نهادهای قدرت سیاسی از طریق شکایات مردمی به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، یکی از طرق مطلوب نظارت همگانی است زیرا علاوه بر احیای حق تظلم و شکایات مردم به مراجع قضایی می‌توان با آگاه کردن نمایندگان مجلس و منعکس شدن آن جو خاصی به وجود می‌آورد که مردم به حقشان برسند، همین‌طور از طریق شکایات، نمایندگان به نارسایی‌های حوزه انتخابیه خود اطلاع پیداکرده و این امر مقدمه سؤال و استیضاح را فراهم می‌سازد. این نهاد مشروعیت خود را از بالاترین سند قانونی کشور، قانون اساسی، دریافت می‌کند و بنابراین مجلس می‌تواند برای اعمال نظارت بر قوای سه‌گانه از آن استفاده کند. کمیسیون می‌تواند به نظارت اشخاص علیه سوء مدیریت یا سوء عملکرد در طرز کار

www.SID.ir

Archive of SID

قوای سه‌گانه رسیدگی کند و نهادها و سازمان‌های تحت صلاحیت خود را مجبور به پاسخگویی کند. با رسیدگی به شکایات، اطلاعات بسیار مفیدی در اختیار مجلس قرار می‌گیرد که می‌توان از آن در جهت اعمال نظارت سیاسی خود در قالب سؤال و استیضاح مقامات قوه مجریه اقدام کرد و یا به شناسایی خلأهای موجود در زمینه‌های مختلف، نقطه شروعی برای وضع قوانین مناسب و مساعد در پارلمان گردد. نمایندگان حاضر در کمیسیون اصل ۹۰ نیز اختیار بازرسی، احضار مسئولین متخلف، بررسی و تحلیل قضیه و ارسال پرونده به مراجع قضایی را دارند (Amid Zanjani, 2006: 113).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

از جمله بحث‌برانگیزترین مفاهیم در طول تاریخ اندیشه سیاسی، مفهوم عدالت و برابری می‌باشد که حول آن تفاسیر و نظریه‌پردازی‌های فراوان صورت گرفته است. عدالت به عنوان مفهومی عامه‌پسند و محبوب از مفاهیمی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است که هر کدام درباره عدالت اجتماعی و فضایی نظرهای گوناگونی ابراز کرده‌اند. ویل دورانت ریشه از پا افتادگی و نابودی تمدن‌ها را در بی‌عدالتی و نابرابری می‌داند و می‌گوید: تمدن را نمی‌شود با فتح و غلبه از میان برد، تمدن تنها از درون تخریب می‌شود، مدنیت در جامعه با رعایت تساوی حقوق انسان‌ها شکوفا و بارور می‌شود و تبعیض ریشه آن را می‌خشکاند. می‌توان گفت از زمانی که نابرابری بین انسان‌ها به وجود آمده، اصطلاح برابری و تلاش برای برقراری عدالت نیز شکل گرفته است. اگر در جامعه‌ای عدالت و برابری نباشد، بعید است که در آن صلح، پاسداری کافی از محیط‌زیست، ریشه‌کنی فقر، حمایت از کار، رشد آزاد هویت و دانش تحقق یابد. از سوی دیگر اگر مردمان احساس امنیت نکنند، دشوار است که از مزایا و امتیازهای اجتماعی عادلانه که دارند چشم بپوشند. دراین‌باره پترکروپوتکین آنارشیست می‌گوید: با وجود نابرابری و بی‌عدالتی صلحی وجود نخواهد داشت. مطالعه نابرابری‌ها در نواحی جغرافیایی یکی از کارهای ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی و اجتماعی است.

اصطلاح عدالت فضایی یا برابری فضایی تا چند سال گذشته تحت تأثیر مفاهیم مرتبطی مانند عدالت سرزمینی، عدالت محیطی، بی‌عدالتی‌های شهرنشینی می‌شد. اعتقاد بر این است که با پذیرش شرایط اجتماعی و محیطی و مطرح کردن آن‌ها در چارچوب فضایی، عدالت فضایی می‌تواند ظرفیتی برای وحدت جنبش عدالت‌خواه زیر چتری مشترک تلقی شود و در آینده به برنامه ریزان و سیاست‌گذاران در پیدایی جوامع عادلانه‌تر و پایدارتر کمک کند. برای برخی، عدالت فضایی فقط دسترسی مساوی به تسهیلات عمومی اساسی در فاصله‌ای معین مانند دسترسی به مدرسه، امکانات بهداشتی و یا فعالیت‌های فرهنگی و غیره است. در برخی تحقیقات، عدالت فضایی معنا و مفهوم وسیع‌تری دارد. در مفهوم برنامه‌ریزی تسهیلات عمومی، عدالت فضایی به معنی جدایی یا مجاورت فضایی به تسهیلات عمومی در بین ساکنان است.

امروزه از عوامل اصلی بحران‌های جوامع بشری ریشه در نابرابری‌های فضایی- اجتماعی و فقدان عدالت دارد و یکی از مهم‌ترین بخش‌های این نابرابری‌ها در نواحی شهری است؛ که وجود چنین نابرابری و عدم تعادل فضایی در ساکنان نواحی مختلف یک شهر به‌هیچ‌وجه پدیده‌ای جدید در هیچ‌یک از شهرهای جهان نیست. اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در دسترسی به خدمات

www.SID.ir

Archive of SID

و امکانات عمومی شهری و تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است. این تفاوت فضایی در شهرها جدا از موقعیت جغرافیایی و ساختار اقتصادی و سیاسی خود به صحنه‌ای از ناسازگاری اجتماعی بدل شده است. نابرابری فضایی موجب می‌گردد تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیامده و تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق افزایش یابد، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به‌ویژه نیروی انسانی متخصص در شهر به‌درستی صورت نگیرد و باعث تشدید مهاجرت‌های بی‌رویه شده و توزیع بهینه جمعیت و فضا را غیرممکن می‌سازد و به طور خلاصه نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت، جدای گزینی اجتماعی، تخصیص امکانات و خدمات عمومی به برخی مناطق، شکل‌گیری اقتصاد شهری دوگانه و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. نابرابری در فرصت‌های زندگی تأثیر مستقیمی روی چیزی که مردم می‌توانند باشند و چیزی که آن‌ها می‌توانند انجام دهند، توانایی‌های بشر دارند. بچه‌هایی که در خانواده‌های فقیر متولد می‌شوند به علت فقر خانواده با خطراتی نظیر مرگ و فرصت‌های کمتری جهت درک و شکوفایی توانایی و استعدادشان مواجه هستند. معایب باطنی نابرابری، مفهوم عدالت اجتماعی را زیر سؤال برده و خدشه‌دار می‌کند. بنابراین دلایل ابزاری برای مفهوم نابرابری وجود دارد. نابرابری وسیع مبتنی بر ثروت، جمعیت، نژاد جهت رشد و توسعه شهر برای دموکراسی و انسجام اجتماعی مضر است. همچنین نابرابری مشروعیت سیاسی را تضعیف و مدیریت شهری را به سوی زوال می‌برد. نابرابری‌ها در توانایی‌های بشری و درآمد و در قدرت سیاسی خود را منعکس می‌کند. در شهرهای کشورهای جهان سوم مسئله عمده توزیع نابرابر درآمد شهری است، که نتیجه‌اش دوگانگی اقتصادی شهر و تشدید جدای گزینی اجتماعی در شهرهاست. نابرابری در ابعاد و مقیاس‌های مختلف نظیر نابرابری در سطح جهانی، ملی، ناحیه‌ای، شهری و روستایی و جزء آن ظهور می‌کند. این امر هم در کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه در تمامی ابعاد تداوم داشته و وجود دارد. نابرابری در تمام اشکال و سطوح آن می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد. اینکه نابرابری در جامعه خوب است یا بد؛ بحث‌های طولانی را میان اندیشمندان رشته‌های مختلف به وجود آورده است. بنابراین حصول برابری کامل عملی نیست به این دلیل که افراد پایگاه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متفاوتی دارند و توزیع خدمات، امکانات، درآمد و شغل و حتی منطقه مسکونی بر اساس همین تفاوت‌ها صورت می‌گیرد. آنچه مورد تأکید عدالت فضایی است پرهیز از نابرابری‌های شدید و جلوگیری از ایجاد شکاف در شهر است نه دستیابی به برابری کامل. آثار و پیامدهای نابرابری به‌طور خلاصه؛ افزایش شکاف طبقاتی، تردید در مفهوم عدالت، افزایش مهاجرت، برهم خوردن ساختار جمعیت و اشتغال، تخریب محیط‌زیست شهر و به مخاطره افتادن توسعه پایدار، شکل‌گیری جامعه طبقاتی، جایگزینی اجتماعی، فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، تخصیص نابرابر امکانات و شکل‌گیری اقتصاد دوگانه شهری می‌توان بیان کرد.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد مفهوم نظارت سیاسی که از زمان مشروطه در نظام حقوقی ایران صورت‌بندی شده و تدریجاً قوام و دوام یافته و بلکه در قانون اساسی انقلاب اسلامی ایران تحول‌یافته است، به‌طورکلی در دو شاخه ابزارهای نظارت مردمی و ابزارهای نظارت سیاسی مجلس شورای اسلامی قابل تحلیل می‌باشد. نظارت سیاسی مردم که اساس جمهوریت نظام و مبانی جمهور را تشکیل می‌دهد، از جمله به وسیله طرز کارهای نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)، الگوهای فعالیت مطبوعات و رسانه‌های جمعی و سازمان‌بندی و تحرک احزاب و

www.SID.ir

Archive of SID

تشکل‌های سیاسی و النهایه شیوه‌های عمل اجتماعی جمعی مانند راهپیمایی و تجمعات امکان ظهور می‌یابد که البته در این بخش با توجه به واقعیت بیان کلیات اصول و ارزش‌ها در قانون اساسی و ارجاع تفصیل و دقایق امور به قانون‌گذاری عادی، در صورتی که قوانین مدون و کارآمدی در مجلس شورا در خصوصی اسلامی در موارد فوق الذکر تدوین نگردد، علاوه بر اینکه باعث ناکارآمدی این ابزارها می‌گردد می‌تواند سرخوردگی سیاسی ناشی از عدم امکان استفاده بهینه از این ابزارها را تقویت نماید. بدیهی است که عدم امکان توسل به این ابزارهای نظارتی به دلیل عدم شفافیت یا جامعیت قوانین عادی در جهت تحقق اهداف قانون اساسی و یا عدم ایجاد بستر مناسب برای اجرایی شدن این قوانین، می‌تواند باعث کاهش ابزارهای مشارکت سیاسی و در بدبینانه‌ترین فرض‌ها، ناامید شدن مردم به‌نظام سیاسی کشور و امکان اصلاح و بهبود و تحول آن در چارچوب قانون اساسی گردد که ریسک ایجاد خسارات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت. در خصوص ابزارهای نظارت سیاسی مجلس شورای اسلامی از جمله تذکر، سؤال، استیضاح، تحقیق و تفحص و مکانیسم رسیدگی به شکایات مردم در کمیسیون اصل ۹۰ نیز می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که این بخش از نظارت به طرز اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل‌انکاری به ساختار سیاسی دولت و مجلس و روابط متقابل ایشان وابسته می‌باشد. بر همین اساس در صورت همگن بودن دولت و مجلس احتمال استفاده از این ابزارهای نظارتی کاهش پیدا می‌نماید و متقابلاً در فرض تعلق هر یک از این ساختارها به اتکا به یکی از جریان‌های مهم سیاسی، می‌تواند نظارت سیاسی و غایات نظارتگرانه آن را بازیچه‌ی رقابت‌های سیاسی میان احزاب نماید و سطوح قابل‌توجهی از تنش را برای نظام سیاسی کشور ایجاد نماید اما به هر حال می‌تواند سطحی از تعادل را فی‌مابین قدرت اجزای گوناگون نظام سیاسی ایجاد نماید. سخن آخر اینکه برای بهبود و پیشرفت دموکراسی در سطح جامعه می‌بایست تقویت نظارت سیاسی بیش‌ازپیش مدنظر مردم و بالأخص دولت‌مردان قرار بگیرد.

References

Abrahamian, Yervand (1997), The Mass of the People in the Iranian Constitutional Revolution, Shiraz, Shiraz Publication

Akhavan Kazemi, Bahram (2012), Supervision in Islamic System, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought

Aghaei, Moslem (2007), The Basis and Nature of Judicial Oversight of Government Acts, Tehran, Journal of Strategic Research Institute 1

Bordbar, Mohammad Hosseini (2001), Public Relations Law, Tehran, Phoenix Publications

Parvin, Kheirollah (2014), Foundations of Public Law, Tehran, Post Office

Pirnia, Hassan (2010), Ancient History, Tehran, New Truth

Khoshzad, Akbar (2011), The Last Constitutional Assembly, Tehran, Surah Mehr Publications

Javan Arasteh, Hossein (2005), Social and Political Rights in Islam, Tehran, Education Publication Office

Rasekh, Mohammad (2011), Supervision and Balance in the Basic Law System, Tehran, Dok Publishing

Sadeghi Neshat, Amir (2015), Introduction to the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Tehran

Sadr al-Shafi'i, Seyyed Nasrallah (1993), Judicial Oversight of Government Acts in the Court of Administrative Justice, Tehran, Shahriar Publication

Shokri Agriculture, Abbas and Farhadi, Ehsan (2011), Basij in the Iranian Constitutional Revolution, Tehran

Kohan, Goel (1362), The History of Censorship in the Iranian Press, Translated by Iraj Afshar, Tehran, Agah Publishing

www.SID.ir

Archive of SID

Amid Zanjani, Abbas Ali and Musa Zadeh, Ibrahim (2010), Supervision of Governance and Justice of the Utilities, Tehran, Tehran University Press
Madani, Seyed Jalaluddin (1369). Contemporary Iranian Political History, Tehran, Press Office, Vol. 1
Mahmoudi, Abdolhossein (2008), Missing Opportunity, Tehran, Mave Andishe Publications
Mirmohammadi, Seyed Mohammad (2004), Model of Supervision and Control in the Administrative System of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Khome Publications
Hashemi, Seyyed Mohammadi (2007), Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Maghans Publication, Volume 1
Hashemi, Seyyed Mohammadi (2006), The Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Magazine Publication, Volume 2
Habibnejad, Seyed Ahmad, Ameri, Zahra (2014), The Basis of Monitoring in the Constitutional Law System of the Islamic Republic of Iran, Political Science Quarterly, 65
Ameri, Zahra (2015), Political Oversight of Power and its Application by the People in the Iranian Legal System), Sphere of Politics, 3
Mousa Zadeh, Ebrahim (2011), (Comparative Study of Article 90 Commission and Supervisory Authority), Judicial Legal Views Quarterly, 13
Moharrami, Saeed (1996), (Monitoring the Political Power in Shiite Islam), Msc Thesis, Faculty of Political Science, Imam Sadegh University
Moghassinia, Alireza (2013), (Causes and Factors of Non-Implementation of Article Eighth of the Constitution), M.Sc.
Rahimi, Mohammad, Saniie, Mansour, Esmaeilzadeh, Abdol Salam (1398), Evaluation of Spatial Justice in Sustainable Distribution and Development of Urban Green Space Using Entropy and Dispersion Factor Model (Case Study: 10 Districts of Shiraz). Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 277-292.
Pirbabaei, Mohammad Taghi, Hashempour, Parisa, Bagheri, Peymanzadeh (1398), Explaining Spatial Justice from the Perspective of Providing Health Services in Urban Spaces and Land Uses for the Elderly (Case Study: Tehran District 15). Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 345-362.
Warrior, Shahram, Saeedeh Zarrabadi, Zahra Sadat, Zizari, Yousefali, Bandarabad, Alireza (1398), Explaining a Pattern of City Navigation with an Environmental Psychological Approach (Case Study: 11 Pavements in Tehran). Journal of New Attitudes in Human Geography, 11 (4), 579-561.
Ghorbani, Davood, Aivazzadeh, Hassan, Zolghadr, Malik, Khaligraphy, Mehdi (1398), Analysis of Geographical Justice in the Cold War International System Based on John Rawls Theory. Journal of New Attitudes in Human Geography, 11 (4), 305-283.
Aghaebi, Ali, Motouf, Sharif (1998), Investigating the Impact of University on Regional Development Based on Islamic Justice in West of Tehran Province with Emphasis on Cultural Development of Islamshahr City. Journal of New Attitudes in Human Geography, 11 (4), 489-465.
Koushaneh, Roshan, Ezat Panah, Bakhtiar, Mousavi, Mirjanfeh (1398), Spatial Distribution Analysis of Urban Public Utilities Using Williamson Index Method (Case Study: Tabriz Metropolitan Area), Journal of New Attitudes in Human Geography, 11 (4), 221-205.
Ghahiei, Behnaz, Rahmani, Bijan, Malek Hosseini, Abbas, Ghahiei, Mehdi (1398), Factors Affecting Sustainable Social Development in Arak. Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, 11 (3), 114-135.
Zare, Zahra, Amir Ahmadi, Rahmatollah (1398), Comparing the Effectiveness of Creating Urban Spaces in Tehran for Women and Men. Journal of New Attitudes in Human Geography, 11 (3), 291-302.
Panahi, Alireza, Poladi, Kamal (1979), A Comparative Comparison of Liberal Democracy and Dialogue Democracy (Western Countries Approach). Journal of New Attitudes in Human Geography, 10 (3), 161-179.
Amini Nejad, Gholamreza, Yazdan Panah, Enayatollah, Bahramian, Hosseini (1397), Measurement of Satisfaction with Public Welfare Services in the Land Use System of Bandar Deir Province, Bushehr Province. Journal of New Attitudes in Human Geography, 10 (3), 91-108.

www.SID.ir

Archive of SID

Rasouli, Mojtaba, Aqalaji, Alireza, Shariatpanahi, Majid Wali (1397), Classification of Rural Settlements in Saveh County in terms of Deprivation and Degree of Development Using the Morrisons Inequality Index. Journal of New Attitudes in Human Geography, 10 (2), 203-216.

Dalai Milan, Ebrahim, Kheyreddin, Reza (1396), Measuring Spatial Justice in Public Transport System with Network Analysis Model (Case Study: Districts 2, 3, 4 and 5 of Tehran City). Journal of New Attitudes in Human Geography, 9 (3), 1-39.

Keikhosravi, Qasem, Lashkari, Hassan, Baqaei, Mojtaba, Nehdani, Mehdi (2016), Factory Industry Positioning (AHP) and Fuzzy Logic Model in Sabzevar. Ali Quarterly

www.SID.ir